



دانشگاه کارآفرین

دی ماه ۱۳۹۵

- تحولات محتوایی در دانشگاه‌ها از گذشته تا بحال
- حرکت دانشگاه‌ها به سمت کارآفرین شدن، تمایل به تجاری‌سازی نتایج دانش فنی و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان است.
- با بروز تحول در دانشگاه‌های سنتی و پذیرش نقش توسعه اقتصادی، دانشگاه کارآفرین علاوه بر آموزش و پژوهش، عامل تحقق نوآوری فناورانه به ویژه در فضای فناوری‌های پیشرفته می‌گردد.

دانش

تولید دانش

تغییر و تحول جایگاه علم با ورود جوامع به عصر پسا صنعتی و فرهنگ‌ها به عصر پسامدرن، و جایگزین پارادایمی نو.

مراکز آموزشی و پژوهشی به ویژه در قرن بیستم، کانون‌های اصلی تولید علم را تشکیل می‌دادند. نظام و شیوه تولید دانش، به ویژه در دو دهه اخیر در زمینه‌های گوناگون سازمانی، معرفتی و هنجاری دچار تحولات و چالش‌های متعددی شده است.

شیوه سنتی تولید دانش، با توجه به دگرگونی‌های کنونی با بحران مواجه شده و برخی از نظریه‌پردازان از پیدایش یک سبک جدید در فعالیت‌های علمی سخن می‌گویند.

دو مدل برای تولید دانش شکل گرفته است:

الگوی اول: نظریه مرتون

- تولید علم در یک فضای تخصصی رشته‌ای با رویکرد شناختی پایه‌ای و بنیادی؛
- مسائل موجود در این زمینه تنها با تشخیص گروهی از دانشگاہیان و متناسب با منافع یک اجتماع خاص علمی مطرح می‌شوند و برای آنان روش‌های حل مسئله ارائه می‌شود
- یافته‌های موجود در مقالات علمی منتشر می‌گردد و سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی می‌توانند از این دستاورد استفاده کنند.
- بنابراین شیوه اول یک شیوه سلسله‌مراتبی است و بسیار تمایل دارد که شکل و ابعاد صوری خود را حفظ کند.

الگوی اول: نظریه مرتون؛ ادامه...

- الگوی اول همانند پژوهش بنیادی که بر پایه کنجکاوی علمی در دانشگاهها یا نهادهای مشابه توسط اجتماعات علمی خودگردان انجام و نظارت می شود.
- شیوه اول کم تر دارای مسئله است،
- خلاقیت تنها در سطح فردی است.
- نفوذ متخصصان رشته ای دانشگاهی در انتخاب موضوع و طرح تحقیق و تسلط و اقتدار ارزش های متخصصان فنی انکارناپذیرند.

الگوی دوم: نظریه گیبونز

- در شیوه دوم، تولید دانش الگوی جهانی یک چرخش کلی از طرف تولید دانش بر مبنای علم یا رشته بنیادی براساس مدل‌های خطی به سمت شیوه تولید علم که به‌طور اجتماعی داشته است.
- الگوی دوم تولید علم در زمینه کاربردی و مداخله‌ای بسیار بارز انجام می‌شود.
- این الگو مبتنی بر ارتباط دانشگاه با محیط بیرونی خود (بازار-صنعت) است. در حال حاضر نیروهای تکنولوژیک و بازار، تحولی را در آموزش عالی ایجاد کرده‌اند.

الگوی دوم: نظریه گیبونز

ادامه...

- طبق این الگو، قدرت و محل تولید علم از اجتماعات علمی به اجتماعات بازار و صنعت منتقل می‌شود و علم براساس سفارشات، سلائق و نیازهای بازار تولید می‌شود.
- نقش دانشگاه در آن به واسطه‌گری بین تولیدکنندگان علم (بازار-صنعت) و مصرف‌کنندگان علم بتدیل می‌شود.
- الگوی اخیر، الگوی مرتونی را نفی نمی‌کند بلکه، آن را متعلق به دوره علم دانشگاهی می‌داند که اکنون جای خود را به علم پسادانشگاهی داده است.

الگوی دوم: نظریه گیبونز

اصول مهم در الگوی دوم تولید دانش

کاربردی

فرارشته‌ای

گسترده و فاقد نظام سلسله مراتبی

نظام کنترل کیفیت همگانی

دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خصلت اندیشی

دانشگاه کارآفرین

دانشگاه کارآفرین

- **تجاری سازی علم (دوره های آموزشی سفارشی، خدمات مشاوره ای و فعالیت های توسعه ای)**
- **کالایی کردن دانش فنی (ثبت اختراع، مجوز یا کسب و کارهای راه اندازی شده دانشجویان)**
- **تربیت نیروی انسانی کارآفرین**
- **ارتباط با صنعت.**

سیر تحول در دانشگاه‌ها

دانشگاه سنتی
(آموزش محور و
نسل پایه)

• انقلاب اول (ظهور تحقیقات پایه)

دانشگاه نسل دوم

• انقلاب دوم (ظهور تحقیقات
کاربردی و نیازمحور)

دانشگاه نسل سوم
(دانشگاه کارآفرین)

دانشگاه کارآفرین

- دانشگاه کارآفرین به‌عنوان یک مؤسسه است که در آن مشاغل جدید ایجاد می‌شود.
- افراد کارآفرین حمایت می‌شوند.
- امکاناتی فراهم می‌شود که سرمایه‌گذاران بتوانند از فرصت‌های بدست آمده استفاده کنند.
- دانشجویان باید همزمان مجموعه‌ای از دانش، مدیریت دانش و مدیریت کارآفرینی را فراگرفته تا اینکه بتوانند در زمینه صنعت شروع به فعالیت نمایند.

دانشگاه کارآفرین

ظهور دانشگاه‌های کارآفرین، دانشگاه‌های فاصله گرفته از جامعه و صنعت را به دانشگاه‌هایی تبدیل کرده است که در ارتباط با صنعت و جامعه هستند. دانشگاه کارآفرین دانش تولید شده خود را برای استفاده و کاربرد به بخش‌های اقتصادی و صنعتی جامعه تزریق می‌کند.

ارتباط صنعت و
جامعه

ایجاد مراکز رشد
و پارک‌های
فناوری

آموزش مهارت-
های شغلی و
مدیریتی

تولید دانش برای
استفاده در بخش-
های اقتصادی

حمایت آموزشی،
مالی و بازاریابی از
کارآفرینان

خلق مشاغل
جدید

ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین

مراحل تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین

برای تبدیل یک دانشگاه به دانشگاه کارآفرین سه مرحله وجود دارد که کیفیت هر مرحله معمولاً و ضرورتاً براساس کیفیت مراحل قبلی است و البته ممکن است ترتیب مراحل برحسب ویژگی‌های محیطی معکوس گردد.

- در مرحله ابتدایی مؤسسه دانشگاهی، دیدگاهی راهبردی برای خود اتخاذ کرده و توانایی تنظیم و تعیین اولویت‌های خود را کسب می‌کنند.

- در مرحله دوم مؤسسه دانشگاهی نقش فعالی را در تجاری‌سازی دارائی‌های فکری حاصل از فعالیت‌های اساتید و دانشجویان خود پیدا می‌کنند.

- در مرحله سوم مؤسسه دانشگاهی نقش پیشرویی را در بهبود محیط نوآوری محلی خود از طریق همکاری با صنعت و دولت ایفا می‌کنند.

تا سال ۲۰۱۴ دانش‌آموختگان ام.آی.تی بیش از ۳۰ هزار بنگاه فعال و ۴.۶ میلیون شغل را راه انداختند و حدود ۱.۹ تریلیون دلار درآمد سالانه داشتند. این دانشگاه وضع دانش‌آموختگان خود را در دهه‌های پس از دانشگاه همچنان رصد می‌کند و آمارهای دقیقی از شرکت‌های تأسیس شده دانش‌آموختگان و میزان کارآفرینی و توزیع درآمد این شرکت‌ها براساس نوع صنعت دارد. درحالی‌که کم‌تر دانشگاهی در کشور ما حتی از وضع اشتغال دانش‌آموختگان سال‌های اخیر خود باخبر است. جدیدترین نظام‌های متولی دانشگاه نیز بر نسل سوم دانشگاه‌های کارآفرین تمرکز کرده است. بسیاری از دانشگاه‌های برتر دنیا درآمدهای فراوانی از محل فروش لیسانس خود کسب می‌کنند بگونه‌ای که آمارها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۲ دانشگاه نورث وسترن آمریکا ۱۶۱ میلیون دلار، دانشگاه کلمبیا ۱۵۴ میلیون دلار، دانشگاه نیویورک ۱۱۳ میلیون دلار از محل فروش لیسانس درآمد داشته‌اند. همچنین در سال ۲۰۱۲ میلادی دانشگاه کالیفرنیا ۱۰۳ میلیون دلار، ویگ فارس ۹۶ میلیون دلار، مینه سوتا ۹۵ میلیون دلار از محل فروش لیسانس درآمد کسب کرده‌اند.

سخن آخر

هفتمین راهبرد کلان برای توسعه علم و فناوری در نقشه جامع علمی کشور نیز جهت دهی آموزش، پژوهش، فناوری و نوآوری به سمت حل مشکلات و رفع نیازهای واقعی و اقتضات کشور برای تحقق مرجعیت علمی است. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این نقشه جامع نیز میزان رفع نیازهای جامعه در شاخص‌های رتبه‌بندی تحقیقاتی و دانشگاهی و نظام انگیزشی پژوهشگران و فناوران است. به نظر می‌رسد دانشگاه‌های کشور به تدریج به درک مناسبی از مسأله بیکاری دانش‌آموختگان رسیده‌اند که در قوانین آموزشی و پژوهش داخلی دانشگاه‌ها منعکس شده است، شاید بتوان امید داشت که در سال‌های آینده وضع دانش‌آموختگان همان‌قدر در نشانگر و شاخص‌های دانشگاه‌های کشور دیده شود که آمار درمورد دانشجویان آن‌ها وجود دارد. به این ترتیب دانشگاه به جای آن که دستاویزی برای به تعویق انداختن تجربه دردناک بیکاری باشد به جایگاهی برای فراگرفتن آموختنی‌های کاربردی و پژوهش در مورد نیازهای جامعه تبدیل می‌شود که دانشجو را برای کار بست این آموخته‌های واقعی آماده می‌کند.

سیپاس!